

تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد با استفاده از رهیافت تحلیل بین‌کشوری

بایرام پاکروان^۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲

چکیده

تأثیر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها بر سطح رفاه مردم و توسعه اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در کشورهای منتخب منطقه منا پرداخته است. برای نیل به اهداف پژوهش، اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای پژوهش طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۰ از گزارشات و پایگاه اطلاعاتی مجمع جهانی اقتصاد و بانک جهانی گردآوری شد. سپس الگوی پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های پانل و به روش اثرات ثابت برآورد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تأثیر شاخص‌های کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات و اثر بخشی دولت بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار بوده و اثر مستقیم دارند. تأثیر شاخص‌های اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در سطح ۵ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار نیستند، اما در سطح ۱۰ درصد، تأثیر مثبت بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد دارند. ضمناً اینکه تأثیر متغیرهای کنترل همچون عوامل نوآوری و ابداع و کارایی، عوامل کارایی، الزامات اساسی بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. این پژوهش برای تقویت رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها، پیگیری و عمل به شاخص‌های حکمرانی خوب ارائه شده توسط مجمع جهانی اقتصاد را در کنار سایر عوامل تأثیرگذار برای کشورها پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: شاخص حکمرانی خوب، شاخص رقابت‌پذیری جهانی، داده‌های پانل
طبقه‌بندی JEL: C23, F18, H11

۱- استادیار، گروه علوم اقتصادی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

رقابت‌پذیری یکی از مهم‌ترین عناصر در عرصه اقتصاد بین‌الملل محسوب می‌شود به طوری که در دنیای امروزی، ایجاد فضای رقابتی و توانمندسازی بنگاه‌های تولیدی، عامل اصلی تعامل با اقتصاد جهانی را شکل می‌دهد. رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد به شناخت بهتر شرایط اقتصادی یک کشور در مقایسه با اقتصاد سایر کشورها کمک می‌کند. پورتر^۱ (۱۹۹۰) بیان می‌کند در دنیای امروزی، رقابت‌پذیری و مفهوم آن به شکل گسترده‌ای رواج یافته است و از آن به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه اقتصادی در کشورها یاد می‌شود. همچنین از نظر پورتر، رقابت‌پذیری به مفهوم توانایی اقتصادها برای فراهم کردن زندگی با کیفیت برای ساکنان آن کشور و نیز ایجاد اشتغال پایدار است.

مجمع جهانی اقتصاد^۲، رقابت‌پذیری را مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عوامل تعیین‌کننده سطح بهره‌وری کشورها می‌داند. از نظر این نهاد، سطح بهره‌وری هر کشور، معرف سطح رفاه اقتصادی قابل کسب برای ساکنان آن کشور است. بنابراین، نقش رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد بر سطح رفاه مردم و توسعه اقتصادی کشورها حائز اهمیت است و به همین جهت، ضرورت بررسی عوامل اثرگذار بر آن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادبیات نظری و تجربی، یکی از این عوامل، مساله حکمرانی خوب توسط حکومت‌ها است. در واقع، حکمرانی خوب زمانی مورد بحث در ادبیات علمی قرار گرفت که اکثر صاحب‌نظران بر این باور شدند که اغلب کشورها، موانع مختلفی پیش روی توسعه اقتصادی خود دارند (انگوبو و فوندا^۳، ۲۰۱۲).

در تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب به عنوان شیوه‌ای که در آن قدرت به منظور مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی جهت رشد و توسعه کشور به کار گرفته می‌شود، آمده است. در گزارش بانک جهانی که توسط کافمن و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در زمینه حکمرانی خوب ارائه شده است، شش شاخص شامل: اعتراض و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، حاکمیت قانون و کنترل فساد برای حکمرانی خوب در کشورها ملاک قرار گرفته است.

-
- 1- Porter
 - 2- World Economic Forum
 - 3- Ngobo and Fouda
 - 4- Kaufmann et al.

نقش حکمرانی خوب در بهبود رقابت‌پذیری منطقه‌ای و جهانی اقتصاد کشورها یک امر اجتناب‌ناپذیر است، چراکه به کارگیری ویژگی‌های حکمرانی خوب در اقتصاد کشورها همچون ایجاد ثبات در محیط اقتصاد کلان، فراهم ساختن زیرساخت‌های کارآمد توسط دولت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، حمایت از حقوق مالکیت مادی، فکری و معنوی افراد، ایجاد شفافیت به منظور پیشگیری از فساد و رانت و بسیاری دیگر از ویژگی‌های حکمرانی خوب، می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در بهبود درجه رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها داشته باشد. به همین جهت، پژوهش حاضر در صدد است، اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد را در کشورهای منتخب منطقه مورد بررسی قرار دهد و به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی در اقتصاد کشورها، چگونه تاثیر می‌گذارد.

چارچوب پژوهش حاضر به این شیوه است که بخش دوم و سوم به بیان مبانی نظری و تجربی موضوع پرداخته است. بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش پنجم به یافته‌های پژوهش اختصاص یافته است. بخش ششم نیز به بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی خوب از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد توجه قرار گرفت؛ یعنی زمانی که نهادهای بین‌المللی بر این باور بودند که کشورهای فقیر و در حال توسعه موانع مختلفی پیش روی توسعه اقتصادی خود دارند و حکمرانی خوب نیز جایگاه خود را به عنوان یکی از عوامل پیش‌ران رشد و توسعه اقتصادی در اقتصادهای مختلف پیدا کرد (انگوبو و فوندا، ۲۰۱۲).

تعاریف مختلفی از حکمرانی خوب صورت گرفته است؛ بانک جهانی، حکمرانی خوب را به عنوان شیوه‌ای که در آن قدرت به منظور مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه کشور به کار گرفته می‌شود، تعریف کرده است. از نظر بانک جهانی، حکمرانی خوب ناظر بر تعامل بین سه رکن دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است

به طوری که بخش خصوصی می‌تواند با راه‌اندازی کسب و کار، زمینه را برای اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد در اقتصاد فراهم سازد. دولت نیز می‌تواند بازار را کنترل و تنظیم کرده و پایه‌های حقوقی و قوانین مناسب را برای سهولت کسب و کار فراهم کند. نقش جامعه مدنی نیز ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت گروه‌های فعال در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (گزارش بانک جهانی، ۱۹۹۲).

طبق دیدگاه اجماع پساواشنگتنی در موضوع حکمرانی خوب، دولت و بخش خصوصی دو نهاد مکمل یکدیگر به‌شمار می‌آیند که به جای بحث از مداخله یا عدم مداخله دولت باید کارایی و اثربخشی دولت را مورد توجه قرار داد. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، بستر مناسبی را برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه با هزینه کم و در اسرع وقت مهیا سازد و بدین ترتیب موجبات رشد اقتصادی را ایجاد کند (علیزاده و بیات، ۱۳۹۵).

اندول و اُکنول^۱ (۱۹۹۹) استدلال می‌کنند که حکمرانی خوب منجر به نهادهای کارآمد می‌شود که برای مقابله با فساد و ارتقای حاکمیت قانون و ثبات سیاسی در کشور به شکل مجهزتری عمل می‌کنند. همچنین حکمرانی خوب به رعایت حقوق شهروندان کمک کرده و پاسخگویی حاکمیت را در مقابل خواسته‌های مردم تقویت می‌کند و ظرفیت دولت‌ها را برای رسیدگی به مطالبات مردم و کاهش هزینه معاملات در اقتصاد افزایش می‌دهد.

رودریک^۲ (۲۰۰۴) و گریندل^۳ (۲۰۰۴) اظهار می‌کنند که حکمرانی خوب باعث کنترل فساد، بهبود سیستم قضایی و ثبات سیاسی برای کشورها می‌شود و زمینه را برای پیشرفت در تمام ابعاد بخش عمومی اقتصاد فراهم می‌سازد. با توجه به کثرت مفاهیم و ویژگی‌های حکمرانی خوب، هر کدام از پژوهش‌ها براساس هدفی که دنبال می‌کنند به بیان برخی از ویژگی‌های حکمرانی خوب می‌پردازند و شاخص‌های اندازه‌گیری آن توسط رسیدن به نتایج مطلوب شناسایی می‌شود.

در پژوهش حاضر، شش ویژگی از حکمرانی خوب شامل: اعتراض و پاسخگویی، کیفیت قوانین و مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، حاکمیت

1- Ndul and O'Connell

2- Rodrik

3- Grindle

قانون و کنترل فساد که در گزارش کافمن و همکاران (۲۰۰۹) برای بانک جهانی ذکر شده، مدنظر است.

- اعتراض و پاسخگویی: از نظر کافمن و همکاران (۲۰۰۹)، اعتراض و پاسخگویی به مفهوم میزان و درجه توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت خود است. براساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیات حاکم داشته باشند، حضور و نقش احزاب و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی استقلال داشته باشند و افرادی که زمامدار جامعه هستند و قدرت را در جامعه در اختیار دارند، پاسخگویی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است.

- کیفیت قوانین و مقررات: در کیفیت مقررات؛ مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر بازارهای مالی و عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب و کار به منظور توسعه تجارت و گسترش حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و... مورد توجه قرار می‌گیرد.

- اثربخشی دولت: در این شاخص؛ کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانی و میزان استقلال خدمات از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

- ثبات سیاسی: این شاخص به میزان ثبات حکومت‌ها، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران فعلی می‌پردازد.

- حاکمیت قانون: اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی هستند و دولت‌مردان و شهروندان به اجرای آن احترام قائل هستند. این شاخص به اجرای قراردادها، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی عملکرد محاکم قضایی در یک جامعه اهمیت می‌دهد.

- کنترل فساد: این شاخص به ارزیابی و اندازه‌گیری مواردی همچون فساد در میان مقامات رسمی دولت و کارمندان دولتی، پرداخت رشوه و استفاده از رانت و اثربخشی شیوه‌های مبارزه با فساد و مواردی از این قبیل می‌پردازد.

۲-۲- مفهوم رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد

در ادبیات نظری، رقابت‌پذیری دارای مفهومی گسترده است و بیش از دو قرن از آغاز نظریه مزیت مطلق توسط آدام اسمیت^۱ در سال ۱۷۷۶ میلادی تاکنون ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول ساخته است.

مفهوم رقابت‌پذیری بسیاری از عوامل کمی و کیفی همچون ظرفیت فناوری، ابداع و نوآوری، درجه متمایز بودن و کیفیت محصولات تولید شده توسط بنگاه‌ها را در سطح خرد و مواردی نظیر نرخ بالای رشد بهره‌وری اقتصاد کشورها، افزایش درآمد سرانه و ارتقای سطح استاندارد زندگی شهروندان را در سطح کلان شامل می‌شود. قبل از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی، نظریات در خصوص رقابت‌پذیری اقتصاد را می‌توان به دو رویکرد کلاسیک و نئوکلاسیک دسته‌بندی کرد، اما پس از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی، تحولات بزرگ نظیر شوک افزایش قیمت نفت و افزایش هزینه‌های تولید در اقتصاد کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی منجر به تغییر شرایط رقابت نسبی در بین این کشورها شد. در نتیجه آن، مفهوم جدیدی از رقابت‌پذیری بین کشورها، تحت عنوان دیدگاه معاصر مطرح شد. دیدگاه کلاسیک، اغلب رقابت‌پذیری را در سطح کلان بررسی می‌کند. از مشهورترین نظریات در این دیدگاه می‌توان به نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت (۱۷۷۶) اشاره کرد. در این نظریه، هر کشوری می‌تواند کالا و خدماتی را تولید و صادر کند که در آن نسبت به شریک تجاری خود، دارای هزینه تمام شده و قیمت کمتری در تولید کالا و خدمات است. در نظریه مزیت نسبی ریکاردو^۲ (۱۸۱۷) از دیگر نظریات دیدگاه کلاسیک، اگر هر یک از دو کشور شریک تجاری، دارای مزیت مطلق در تولید کالا و خدمات نباشند، باز می‌توانند با یکدیگر وارد تجارت کالا و خدمات شده و نفع داشته باشند. در این حالت، کشوری که دارای مزیت مطلق در هر دو کالا است، کالایی را تولید و صادر می‌کند که دارای مزیت مطلق بیشتری در مقایسه با کالای دیگر نسبت به شریک تجاری خود است و تولید و صادرات کالای دیگر را به شریک تجاری خود واگذار می‌کند.

براساس نظریه هکچر-اوهلین^۳، یک کشور کالا و خدماتی را تولید و صادر می‌کند که در تولید آن‌ها از عواملی استفاده می‌شود که به وفور در آن کشور وجود دارد. برخلاف

1- Smith

2- Ricardo

3- Heckscher - Ohlin

دیدگاه کلاسیک، دیدگاه نئوکلاسیک به مفهوم رقابت‌پذیری در سطح خرد می‌پردازد و عوامل تعیین‌کننده رقابت‌پذیری در سطح بنگاه‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد، چراکه بر این باور است که بنگاه‌ها علاوه بر رقابت در بازار داخلی کشور با سایر بنگاه‌ها در بازارهای بین‌المللی نیز رقابت می‌کنند (پورتر، ۱۹۹۰). در این دیدگاه، مواردی همچون برنامه عملیاتی و استراتژی بنگاه، کمیت و کیفیت عوامل تولید، فناوری و نوآوری بنگاه، می‌تواند نقش اساسی در رقابت‌پذیری یک بنگاه اقتصادی داشته باشد. در این دیدگاه، جان کلارک^۱ رقابت را برای یک بنگاه، داشتن ابداع و نوآوری تعریف می‌کند. از نظر وی، نوآوری‌ها باعث ایجاد انگیزه در بنگاه برای به دست آوردن مزایای رقابتی شده و این امر منجر به پیشرفت تکنولوژی و رشد اقتصادی در سطح کلان اقتصادی می‌شود.

از دیدگاه آلدerson و کوکس^۲ (۱۹۴۸)، عامل رقابت‌پذیری بنگاه‌ها شامل: تقسیم‌بندی بازار، ارتباط با مشتریان، توسعه محصول، بهبود فرآیندها و نوآوری‌های محصول است. از نظر شومپتر^۳ توانایی بنگاه در نوآوری، کلید موفقیت برای دستیابی به مزیت رقابتی در بین رقبا خود است. از نظر وی، شرط بقای بنگاه‌ها در بازار، سازگار کردن خود با تغییرات محیط بوده و این امر بستگی به داشتن نوآوری‌های جدید از منابع موجود بنگاه‌ها است. از دیدگاه فردریک لیست^۴، رقابت یک بنگاه علاوه بر عوامل اقتصادی به کیفیت نهادهای اجتماعی، اتحادیه‌های تجاری، نهادهای مالی، سازمان‌های سیاسی-اجتماعی، حقوق مالکیت و ساختار سازمانی و... در کشورها متکی است (سیودک و زاووجسکا، ۲۰۱۴).

از مشهورترین نظریات در دیدگاه معاصر که از دهه ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفته است، می‌توان به نظریات کروگمن^۵ و پورتر اشاره کرد. کروگمن (۱۹۹۴)، رشد بهره‌وری را محرک اصلی رقابت بین کشورها می‌داند. همچنین از نظر وی، رقابت‌پذیری جهانی کشورها با سطح استاندارد زندگی افراد در کشورها مرتبط است. طبق نظر پورتر (۱۹۹۰)، رقابت‌پذیری به بهره‌وری بلندمدت اقتصاد کشورها بستگی دارد و این امر نیازمند ایجاد محیط مناسب کسب و کار برای بنگاه‌ها است تا بتوانند از نوآوری‌های پایدار، بهبود

-
- 1- John Clark
 - 2- Alderson and Cox
 - 3- Schumpeter
 - 4- Frederick List
 - 5- Siudek and Zawojaska
 - 6- Krugman

فرآیندها و مدیریت در محصولات خود بهره‌مند شوند. بنابراین، تنها مفهوم رقابت در سطح ملی، بهره‌وری ملی است و رقابت‌پذیری به مفهوم توانایی یک اقتصاد برای فراهم کردن زندگی با کیفیت برای ساکنان آن کشور و نیز ایجاد اشتغال پایدار است.

پورتر (۱۹۹۰) شرط اساسی برای رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در سطح جهانی را شامل: موهبت‌های خدادادی، شرایط تقاضا برای محصولات تولید شده، استراتژی و ساختار بنگاه‌ها معرفی می‌کند.

باکلی و پرسکات^۱ (۱۹۹۸) اظهار می‌کنند، رقابت‌پذیری یک بنگاه اقتصادی به مفهوم توانایی آن در تولید و فروش محصولات و خدماتی با کیفیت برتر و هزینه‌های پایین‌تر از رقبای داخلی و بین‌المللی است. از نظر آن‌ها، رقابت‌پذیری بیانگر عملکرد سود بلندمدت یک بنگاه اقتصادی بوده و توانایی بنگاه برای جبران زحمات کارکنان و نیز کسب بازدهی مناسب برای سهامداران است.

آلتومونت و همکاران^۲ (۲۰۱۲)، رقابت را به معنای توانایی یک کشور در فراوانی تولید و مبادله کالا و خدماتی می‌دانند که در کشور شریک تجاری دارای کمبود است.

مک‌گان^۳ (۱۹۹۹)، استدلال می‌کند که عوامل خارج از بنگاه برای همه آن‌ها یکسان هستند و این عوامل داخلی و ویژگی بنگاه‌ها هستند که شرایط سودآوری و درجه رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارها را تعیین می‌کند.

کائو و همکاران^۴ (۲۰۰۸)، رقابت‌پذیری ملی را به مفهوم توانایی نسبی یک جامعه در ایجاد محیطی می‌داند که در آن بنگاه‌ها بتوانند رقابت کنند. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش سال ۲۰۱۱ میلادی، رقابت را به عنوان توانایی یک کشور در فروش محصولات و خدمات در بازارهای بین‌المللی می‌داند به طوری که بتواند موجب افزایش معیارهای زندگی همه شهروندان در آن کشور شود. در سال ۲۰۱۳ میلادی، این مجمع، رقابت‌پذیری را مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری در کشورها تعریف می‌کند (اسکوآب و سالا آی مارتین^۵، ۲۰۱۳).

در ادبیات نظری، نظریات مختلفی در خصوص ارزیابی مفهوم رقابت‌پذیری در سطح

1- Buckley and Prescott
2- Altomonte et al.
3- McGahan
4- Kao et al.
5- Schwab, Sala-i-Martin

خرد و کلان ارائه شده است و به همین صورت، در ادبیات تجربی نیز الگوهای متفاوتی از مفهوم رقابت‌پذیری و متناسب با نظریه به کار گرفته شده وجود دارد. با این وجود، به نظر می‌رسد شاخص رقابت‌پذیری جهانی که توسط مجمع جهانی اقتصاد ارائه شده است، جامع‌تر از سایر الگوها باشد. این شاخص دربرگیرنده میانگین وزنی مولفه‌هایی است که هر کدام به نوعی به مفهوم رقابت اشاره دارند (اسکواب، ۲۰۱۰). مجمع جهانی اقتصاد، گزارش رقابت‌پذیری خود را از سال ۱۹۷۹ میلادی شروع و اولین گزارش رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد را نیز در سال ۱۹۹۶ میلادی منتشر کرد. هدف از تهیه و ارائه این گزارش‌ها، کمک به سیاست‌گذاران عرصه اقتصاد کشورها است تا بتوانند چالش‌های رقابت‌پذیری را در کشورها شناسایی کنند (پورتر و اسکواب، ۲۰۰۸).

شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد که توسط مجمع جهانی اقتصاد معرفی می‌شود، مبتنی بر ۱۲ گانه است که طبق جدول (۱) به سه زیرشاخص: نیازهای اساسی، عوامل افزایش کارایی و عوامل نوآوری دسته‌بندی می‌شود و هر کدام از این سه زیرشاخص نیز شامل مولفه‌هایی هستند.

جدول ۱- زیرشاخص‌ها و مولفه‌های شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد

مؤلفه‌ها	زیرشاخص‌ها
۱- نهادها ۲- زیرساخت ۳- ثبات اقتصادی ۴- بهداشت و آموزش ابتدایی	نیازهای اساسی
۱- آموزش‌های علمی و کاربردی ۲- کارایی بازار کالا و خدمات ۳- کارایی بازار نیروی کار ۴- توسعه بازارهای مالی ۵- دسترسی به تکنولوژی ۶- اندازه بازار	عوامل تقویت کارایی
۱- فضای کسب و کار ۲- نوآوری	عوامل نوآوری

مأخذ: Schwab, 2010

۳-۲- حکمرانی خوب و رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد

برخی از نظریات در خصوص مفهوم رقابت‌پذیری مانند نظریه کروگمن و پورتر (۱۹۹۰) و مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۱ و ۲۰۱۳)، رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد را با رشد بهره‌وری اقتصاد کشور، افزایش درآمد و اشتغال پایدار برای ساکنان کشور همسو می‌دانند. در سطح خرد، رقابت منجر به ارتقای بهره‌وری از طریق کاهش هزینه‌های تولید بنگاه‌ها می‌شود. بهبود بهره‌وری، توانایی بنگاه‌های اقتصادی داخلی را برای رقابت سودآور در بازارهای جهانی تقویت کرده و انگیزه سرمایه‌گذاری داخلی را افزایش می‌دهد. این امر، موجب افزایش اشتغال و درآمد در اقتصاد کشور می‌شود و زمینه رقابت‌پذیری جهانی را برای اقتصاد کشورها فراهم می‌سازد. عوامل زیادی هستند که می‌توانند وضعیت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را در بازارهای داخلی و جهانی تحت تاثیر قرار دهند. از جمله این عوامل، کیفیت حکمرانی توسط حکومت‌ها است.

بسیاری از مبانی نظری و تجربی، تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر بهبود شاخص‌های اقتصادی همچون رشد بهره‌وری، افزایش درآمدسرانه و ارتقای سطح استاندارد زندگی افراد را تایید می‌کند و بر این اساس، می‌توان فرضیه تاثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر سطح رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد را مطرح کرد، چراکه طبق دیدگاه معاصر، ارتباط تنگاتنگی بین رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد و مفاهیمی همچون افزایش سطح استاندارد زندگی افراد، افزایش درآمد سرانه و رفاه در اقتصاد کشورها وجود دارد. در این راستا، رودریک^۱ (۲۰۰۴) اظهار می‌کند، حکمرانی خوب رشد اقتصادی را از طریق نظم و انضباط بیشتر می‌کند.

کاردس^۲ (۲۰۱۲) بر تاثیرپذیری مستقیم سطح استاندارد زندگی شهروندان از ابعاد حکمرانی خوب تاکید می‌کند.

از نظر داینس و همکاران^۳ (۲۰۱۰)، حکمرانی بد می‌تواند نرخ رشد درآمد، اشتغال و سرمایه انسانی را کاهش دهد و تخریب منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست را به دنبال داشته باشد. علاوه بر این، در کشورهایی که از حکمرانی خوب برخوردار نیستند، مجموعه‌ای از سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی و نهادی که منجر به کاهش بهره‌وری

1- Rodrik

2- Kardos

3- Daines et al.

عوامل تولید می‌شود را شاهد هستیم. از نظر آن‌ها، اثربخشی دولت به عنوان یکی از ابعاد حکمرانی خوب، عامل مهمی برای پیاده‌سازی سیاست‌های صحیح و موثر اقتصادی، توسعه سرمایه انسانی، ایجاد اشتغال و کاهش فقر و به طور کلی ایجاد رقابت‌پذیری جهانی در جوامع است.

طبق نظر سازمان ملل متحد^۱ (۲۰۰۵)، حکمرانی خوب با ترویج تقسیم کارآمد نیروی کار، سرمایه‌گذاری مولد و اجرای سریع‌تر سیاست‌های مناسب اجتماعی و اقتصادی، منجر به رشد و رقابت بهتر اقتصادها می‌شود. مطابق با مطالعه هال و جونز^۲ (۱۹۹۹) در حکمرانی خوب، نهادها و سیاست‌های دولت، محیط اقتصادی را تدارک می‌بینند که در آن افراد مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند و بنگاه‌های اقتصادی نیز سرمایه را جمع‌آوری کرده و در نهایت به تولید کالا و خدمات با کیفیت و رقابت‌پذیر پرداخته می‌شود. از نظر آن‌ها، حکمران خوب با فراهم کردن زیرساخت‌های اجتماعی کارآمد می‌تواند رشد اقتصادی و زمینه رقابت را فراهم سازد و در مقابل حکمرانی بد از طریق سلب مالکیت، افزایش مالیات و قوانین و مقررات بد می‌تواند انحراف منابع را در یک اقتصاد باعث شود.

ایرل و اسکات^۳ (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند، دموکراسی به ترویج هماهنگی میان شهروندان و همچنین به کاهش اختلاف بین آن‌ها کمک می‌کند و بدین ترتیب ثبات سیاسی و اقتصادی را در جوامع افزایش می‌دهد.

بارو^۴ (۱۹۹۱) در مطالعه خود نشان داد، دموکراسی به عنوان یکی از ابعاد حکمرانی خوب، می‌تواند ثبات سیاسی و اقتصادی را به همراه داشته باشد و این برای رشد سرمایه‌گذاری و رشد بهره‌وری در اقتصاد کشورها سودمند است.

ریورا و باتی^۵ (۲۰۰۲) اظهار می‌کنند که دموکراسی، کیفیت حکومت و رشد بهره‌وری در اقتصاد را تقویت می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که دموکراسی و پاسخگویی دولت به خواسته‌های شهروندان از طریق محدود کردن فساد، تاثیر مثبت بر عملکرد اقتصاد دارد. کنترل فساد یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب در حکومت‌ها است. از نظر

1- United Nations

2- Hall and Jonse

3- Earle and Scott

4- Barro

5- Rivera and Batiz

توسعه سازمان ملل متحد (۲۰۰۸)، فساد باعث ناکارآمدی اجتماعی و اقتصادی می‌شود و بهره‌وری و رقابت‌پذیری کشورها را از طریق تضعیف موسسات ملی، افزایش هزینه‌های کسب و کار، از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رایج کردن فساد در سیستم به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. سازمان ملل متحد، فساد را به معنای سوءاستفاده از قدرت تعریف می‌کند که افراد برای کسب کردن منافع شخصی و خصوصی استفاده می‌کنند و می‌تواند در اشکال مختلف مانند رشوه، اختلاس، سرقت، اخاذی، سوءاستفاده از آرای دیگران، بهره‌برداری از منافع متضاد و مشارکت سیاسی نامناسب صورت پذیرد.

مایورو^۱ (۱۹۹۸) و ایدت^۲ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند، فساد باعث انحراف منابع به ویژه سرمایه انسانی از یک فعالیت نوآورانه به سمت فعالیت‌های غیرمولد و مضر مانند رانت و... می‌شود. همچنین به مثابه یک مالیات، باعث کاهش سود و درآمد سرمایه‌گذاری می‌شود. اورهارت و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، باردهان^۴ (۱۹۹۷) و مایورو (۱۹۹۵) اظهار می‌کنند که فساد تولید نهایی سرمایه را از طریق گرفتن مالیات بر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری با ایجاد ناکارآمدی در بخش خصوصی و بخش‌های عمومی با تحریف فرآیندهای مالی و نیز تا حدودی با ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و ایجاد هرج و مرج کاهش می‌دهد و بدین ترتیب بر رشد بهره‌وری و رقابت اقتصادها تاثیر منفی دارد.

کیفیت قوانین و مقررات از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب، می‌تواند بر رقابت تاثیر غیرمستقیم داشته باشد. به ویژه به دلیل اینکه رقابت با جنبه‌هایی مانند نوآوری، بهره‌وری، اشتغال و رشد اقتصادی ارتباط دارد. حکمران خوب با تدوین قوانین و مقررات تجاری شفاف و نیز با ایجاد سهولت در فضای کسب و کار می‌تواند زمینه ایجاد رقابت سالم را برای بنگاه‌ها فراهم کند و بنگاه‌ها را در بازارهای جهانی رقابت‌پذیرتر سازد.

لی و سامسل^۵ (۲۰۰۹) بیان می‌کنند، کشورهای مبتنی بر قانون‌مداری با توجه به مقررات شفاف و حضور قوانین منصفانه، جریان‌های تجاری را جذب می‌کنند و تجارت با کشورهای مبتنی بر حکمرانی ضعیف، مشکل و پرهزینه است.

1- Mauro

2- Aidt

3- Everhart et al.

4- Bardhan

5- Li and Samsell

کافمن و شلیفر^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای نشان دادند، کیفیت قوانین و مقررات دولت می‌تواند تاثیر مثبت بر سهولت انجام تجارت و رقابت بین کشورها داشته باشد.

چونگ و کالدرون^۲ (۲۰۰۰)، تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها را یکی از ضروریات برای هدایت منابع اقتصاد به سمت فعالیت‌های مولد می‌دانند و ناتوانی جوامع در فراهم کردن شرایط مناسب برای تضمین قراردادها به شیوه کارآمد و کم‌هزینه، یکی از دلایل عقب‌ماندگی اقتصاد کشورها در صحنه بین‌المللی است. ثبات سیاسی از دیگر مولفه‌های حکمرانی خوب، تاثیر مثبت بر عملکرد اقتصاد دارد.

گروسمن^۳ (۱۹۹۱) استدلال می‌کند، زمانی که دولت ضعیف است، نظام سیاسی می‌تواند در این حالت منجر به سقوط احتمالی دولت‌ها شود، زیرا جمعیت، بیشتر به شرکت در فعالیت‌های انقلابی علاقه‌مند است تا تمرکز بر بهره‌وری و رشد ملی کشور و این رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح بین‌المللی و جهانی را تضعیف می‌کند. از نظر وی، یک قدرت سیاسی قوی‌تر و باثبات می‌تواند تمایلات را برای انقلاب کاهش دهد و جامعه بیشتر بر تکامل بازار و رشد اقتصادی تمرکز کند.

از نظر آيسن و ويگا^۴ (۲۰۱۰)، بی‌ثباتی سیاسی احتمالاً موجب کوتاه شدن افق زمانی دولتمردان برای حکومت‌داری می‌شود و این ممکن است منجر به سوءاستفاده بیشتر دولتمردان از منابع اقتصادی و مالی شود و عملکرد اقتصاد کلان را تحت تاثیر منفی قرار دهد.

آلسینا و پروتی^۵ (۱۹۹۶) بیان می‌کنند، خشونت‌های جمعی و کودتاها نشان‌دهنده تمایل برای تحقق هرج و مرج و ایجاد تهدید برای حقوق مالکیت است؛ بنابراین، در این گونه جوامع، افراد انگیزه برای سرمایه‌گذاری ندارند و این امر موجب کاهش اشتغال و درآمد واقعی در اقتصاد کلان می‌شود.

1- Kaufmann and Shelifer

2- Chong and Caldron

3- Grossman

4- Aisen and Veiga

5- Alesina and Perotti

۳- مبانی تجربی پژوهش

۳-۱- پیشینه مطالعات داخلی

قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) به ارزیابی تاثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد با استفاده از الگوی معادلات ساختاری در سال ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در این کشورها تاثیر معنی‌دار دارد.

کفیلی و پیشوا (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در بین کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۲ و با استفاده از تکنیک گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) پرداختند. نتایج حاکی از آن است که تاثیر توسعه مالی از مجرای بانکی قوی‌تر از تاثیر توسعه مالی از مجرای بازار مالی بوده و با افزایش کیفیت حکمرانی، تاثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی از مجرای بانکی و بازار مالی تقویت می‌شود.

مرادی و سلیمانپور (۱۳۹۶)، اثر شاخص حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی را با استفاده از داده‌های پانل طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، شاخص‌های حکمرانی خوب، اثر منفی و معنی‌دار بر توزیع نابرابری درآمد دارند.

مرادی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر شاخص حکمرانی خوب بر کنترل فساد در کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا با استفاده از روش رگرسیون خودبرداری پانل طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۴ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد، مولفه‌های حکمرانی خوب منتج شده از مجمع جهانی اقتصاد به استثنای اثر بخشی دولت، تاثیر مثبت و معنی‌داری بر کنترل فساد دارند. همچنین تاثیر کارایی بخش دولتی بر کنترل فساد در کشورهای خاورمیانه، منفی و معنی‌دار است.

رفیعی دارانی و شاهنوشی (۱۳۹۳)، تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت را بر توسعه انسانی با استفاده از رگرسیون موزون جغرافیایی در کشورهای مختلف و با درجه توسعه یافتگی متفاوت و طی سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه نشان داد که به طور متوسط حکمرانی خوب و اندازه دولت در طول دوره مورد بررسی تاثیر مثبت بر شاخص توسعه انسانی در کشورها داشته است.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) به بررسی اثر عوامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت) بر رشد اقتصادی در ۵۰ کشور جهان با سطوح مختلف توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۶ پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که تمامی عوامل نهادی به استثنای حق اظهارنظر و پاسخگویی می‌تواند اثر معنی‌دار و مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۲-۳- پیشینه مطالعات خارجی

دیما و همکاران^۱ (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی داده‌های پانل در کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۶ پرداختند. نتایج این مطالعه بر تاثیر اساسی دو مولفه ابداع و آموزش بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد دلالت دارد. همچنین یافته‌های این مطالعه، گسترش تحقیق و توسعه در سیاست‌های اتحادیه اروپا را به عنوان عامل اثرگذار بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد مورد تاکید قرار می‌دهد.

کارکابا و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر سطح رفاه زندگی ۳۹۳ شهروند اسپانیایی را با استفاده از اطلاعات سال ۲۰۱۱ میلادی مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه، سه شاخص حکمرانی خوب شامل؛ شفافیت، پاسخگویی و مشارکت مدنظر قرار گرفتند. نتایج مطالعه نشان داد که بین پاسخگویی و مشارکت با سطح رفاه زندگی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، اما تاثیر شفافیت بر کیفیت زندگی افراد از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

سانتران^۳ (۲۰۱۶)، اثر عواملی همچون؛ معافیت مالیاتی واردات، بدهی خارجی و مخارج دولتی را بر رقابت‌پذیری اقتصاد در کشور مالزی و با استفاده از روش رگرسیون خودبردار (Var) طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۸۰ مورد مطالعه قرار داد. نتایج مطالعه وی نشان داد، معافیت مالیاتی واردات و بدهی خارجی هر دو تاثیر منفی و معنی‌دار بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد مالزی در بلندمدت دارد، اما تاثیر مخارج دولتی بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد مالزی در

1- Dima et al.

2- Cárcaba

3- Santheran

بلندمدت مثبت و معنی‌دار است.

پتراریو و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، اثر ابداع و نوآوری بر رشد و رقابت‌پذیری جهانی در اقتصاد کشورهای اروپای شرقی و مرکزی را با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های پانل طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در پژوهش خود از شاخص‌های تحقیق و توسعه، ثبت اختراع و تعداد مخترعین در کشور به عنوان معیارهایی در سنجش ابداع استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از این بود که ابداع و نوآوری تاثیر قابل توجهی بر رشد و رقابت‌پذیری اقتصاد دارد و می‌تواند شکاف رشد اقتصادی آن‌ها را با کشورهای اروپای غربی کاهش دهد.

۴- روش پژوهش

۴-۱- جامعه آماری پژوهش و روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از جنبه گردآوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل ۱۲ کشور منتخب منطقه منا، شامل: ایران، بحرین، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، مصر، الجزیره، لیبی، تونس و مراکش است. این کشورها با توجه به در دسترس بودن اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای پژوهش انتخاب شدند. در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و تجربی از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجوی اینترنتی با بهره‌گیری از کتب و مقالات فارسی و انگلیسی و نیز پایان‌نامه‌ها استفاده شد. همچنین اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای پژوهش از گزارشات و پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد برای دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۰ استخراج شده است. در پژوهش حاضر، شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد به عنوان متغیر وابسته و شش شاخص حکمرانی خوب شامل: اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد و اثر بخشی منابع دولت به عنوان متغیرهای مستقل و متغیرهای نوآوری و اختراع، تقویت کارایی و الزامات اساسی به عنوان متغیرهای کنترل در الگو لحاظ شدند.

۲-۴- الگو و فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش با تبعیت از مبانی نظری و تجربی، معادله رگرسیون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش به صورت رابطه (۱) تصریح می‌شود.

$$\begin{aligned} WEC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 VA_{it} + \alpha_2 PS_{it} + \alpha_3 ROL_{it} + \alpha_4 RQ_{it} \\ & + \alpha_5 COC_{it} + \alpha_6 GE_{it} + \alpha_7 IN_{it} \\ & + \alpha_8 EFF_{it} + \alpha_9 ER_{it} + e_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

در رابطه (۱)، WEC_{it} شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد، VA_{it} شاخص اعتراض و پاسخگویی، PS_{it} شاخص ثبات سیاسی، ROL_{it} شاخص حاکمیت قانون، RQ_{it} شاخص کیفیت قوانین و مقررات، COC_{it} شاخص کنترل فساد، GE_{it} شاخص اثربخشی منابع دولت، IN_{it} عوامل نوآوری و ابداع، EFF_{it} عوامل کارایی، ER_{it} الزامات اساسی و e_{it} جزء خطا است. در این پژوهش، شش فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی به صورت زیر مطرح می‌شود:

- فرضیه‌های اصلی

- ۱- اعتراض و پاسخگویی بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
 - ۲- ثبات سیاسی بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
 - ۳- حاکمیت قانون بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
 - ۴- کیفیت قوانین و مقررات بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
 - ۵- کنترل فساد بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
 - ۶- اثربخشی دولت بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیرگذار است.
- فرضیه‌های فرعی

- ۱- عوامل نوآوری و ابداع بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد تاثیرگذار است.
- ۲- عوامل تقویت کارایی بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد تاثیرگذار است.
- ۳- الزامات اساسی بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد تاثیرگذار است.

۳-۴- روش برآورد الگو

در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی داده‌های تابلویی استفاده

می‌شود، چرا که از یک سو، این فرضیه‌ها در بین کشورهای مختلف و از سوی دیگر برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۷ آزمون می‌شود. از آنجایی که استفاده از داده‌های تابلویی هم مقطع (کشور، استان، بنگاه و...) و هم‌زمان را دربر می‌گیرد؛ بنابراین، ناهمسانی واریانس در استفاده از این داده‌ها کاهش می‌یابد. همچنین با ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، شدت همخطی بین متغیرهای مستقل کاهش یافته و به جهت افزایش درجه آزادی، کارایی در تخمین پارامترها بیشتر می‌شود و داده‌های تابلویی می‌تواند تورش را که در نتیجه لحاظ افراد یا بنگاه‌ها حاصل می‌شود، حداقل سازد (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵). در حالت کلی مدل در آن $i=1,2,3,\dots,N$ بیانگر مقطع (در این پژوهش کشور) و $t=1,2,3,\dots,T$ بیانگر زمان است. Y_{it} متغیر وابسته را برای t سال نشان می‌دهد و X_{kit} نیز k امین متغیر مستقل غیر تصادفی برای t سال نشان می‌دهد. همچنین β_{kit} پارامترهای مدل است که واکنش متغیر مستقل نسبت به تغییرات k امین متغیر مستقل در t امین مقطع و t امین زمان را اندازه‌گیری می‌کند.

برای تشخیص اینکه آیا استفاده از داده‌های تابلویی برای برآورد الگوی مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 دلالت بر یکسان بودن عرض از مبداها برای مقاطع مختلف و قابلیت ترکیب شدن داده‌ها و استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی در مقابل فرضیه H_1 ؛ یعنی نابرابری عرض از مبداها و استفاده از الگوی داده‌های تابلویی قرار می‌گیرد به طوری که آزمون F دارای درجه آزادی $(N-1, NT-N-1)$ است و N و T به ترتیب تعداد مقطع و مشاهدات هستند. در مرحله بعد در استفاده از الگوی داده‌های پانل، دو روش اثرات ثابت^۲ و روش اثرات تصادفی^۳ مطرح است که هر کدام بر حسب مورد می‌تواند کاربرد داشته باشد. برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن اثرات از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

آزمون هاسمن دارای توزیع کای دو با درجه آزادی $K-1$ است. در این آزمون فرضیه H_0 دلالت بر این دارد که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدا و متغیرهای

1- Baltaghi

2- Fixed Effects

3- Random Effects

توضیحی وجود ندارد و آن‌ها از یکدیگر مستقل هستند. در حالی که فرضیه مقابل آن؛ یعنی H_1 ، دلالت بر وجود همبستگی بین جزء اختلال مربوط به عرض از مبدا و متغیرهای توضیحی الگو دارد. از آنجایی که هنگام وجود همبستگی بین اجزای اختلال و متغیر توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می‌شویم؛ بنابراین، بهتر است در صورت رد H_0 برای آزمون فرضیات از روش اثرات ثابت استفاده کنیم. هنگامی که بین اجزای اختلال و متغیر توضیحی همبستگی وجود نداشته باشد، استفاده از هر دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی سازگار هستند، اما روش اثرات تصادفی کارا است.

همچنین با توجه به امکان وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در استفاده از داده‌های تابلویی، آزمون‌های خود همبستگی و ناهمسانی واریانس مورد بررسی قرار می‌گیرد به طوری که برای انجام آزمون خود همبستگی از آزمون وولدریج^۱ (۲۰۱۰) استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی از مرتبه اول در جملات اختلال الگوی رگرسیون است. بنابراین، در صورت رد فرضیه صفر، الگوی تخمین زده شده دارای خودهمبستگی از مرتبه اول است. همچنین با توجه به اینکه تعداد مقاطع (کشورها) بیشتر از دوره زمانی مورد مطالعه است، از این رو، انتظار می‌رود اجزای اختلال دارای ناهمسانی واریانس بوده و در این حالت تخمین زنده‌های رگرسیون با وجود اینکه بدون تورش خواهند بود، اما دارای کارایی نیست. به همین جهت از آزمون نسبت راستنمایی نیز برای تشخیص ناهمسانی واریانس استفاده می‌شود.

ضمن اینکه برای برآورد الگوی پژوهش از نسخه ۹ نرم‌افزار Eviwes و نرم‌افزار Stata استفاده می‌شود.

۵- یافته‌های پژوهش

پیش از برآورد الگو، ابتدا باید متغیرهای الگو را از نظر پایایی مورد آزمون قرار داد تا از وجود رگرسیون کاذب جهت دستیابی به نتایج مطلوب جلوگیری شود. برای آزمون پایایی متغیرها از آزمون ریشه واحد لوین لین و چو^۲ استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه H_0 دلالت بر وجود ریشه واحد در سطح است. نتایج آزمون لوین لین و چو در جدول (۲) آورده شده است.

1- Wooldridge

2- Levin, Lin and Chu (LLC)

جدول ۲- نتایج آزمون پایایی متغیرهای الگو

نام متغیر	علامت اختصاری متغیر	مقدار آماره لوین لین و چو	سطح احتمال
شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد	WEC_{it}	-۲/۸۹	۰/۰۰۱۹
اعتراض و پاسخگویی	VA_{it}	-۸/۰۳	۰/۰۰۰
ثبات سیاسی	PS_{it}	-۴/۶۵	۰/۰۰۰
حاکمیت قانون	ROL_{it}	-۵/۳	۰/۰۰۰
کیفیت قوانین و مقررات	RQ_{it}	-۶/۰۱	۰/۰۰۰
کنترل فساد	COC_{it}	-۷/۲۱	۰/۰۰۰
اثربخشی منابع دولت	GE_{it}	-۴/۹۳	۰/۰۰۰
عوامل نوآوری و ابداع	IN_{it}	-۲/۶۱	۰/۰۰۳۱
عوامل تقویت کارایی	EFF_{it}	-۳/۱۱	۰/۰۰۱۰
الزامات اساسی	ER_{it}	-۴/۳۲	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۲)، سطح احتمال به دست آمده برای تمامی متغیرهای الگو کمتر از ۵ درصد است، از این رو، تمامی متغیرها در سطح پایا هستند. در ادامه برای تشخیص استفاده از داده‌های پانل و داده‌های ترکیبی در برآورد الگوی پژوهش از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است. از آنجایی که سطح احتمال به دست آمده از ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین، استفاده از داده‌های پانل در برآورد الگو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر

سطح احتمال	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۶۱/۷۸	آزمون F لیمر با درجه آزادی (۱۱، ۸۳)

ماخذ: یافته‌های پژوهش

پس از تشخیص استفاده از داده‌های پانل در برآورد الگوی پژوهش باید وجود اثرات ثابت یا تصادفی در الگوی پژوهش با استفاده از آزمون هاسمن بررسی شود. نتایج برآورد آزمون هاسمن در جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای الگوی پژوهش

سطح احتمال	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
۰/۰۰۲	۲۷/۴۲	کای دو با درجه آزادی نه

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۴)، سطح احتمال به دست آمده کمتر از ۵ درصد بوده است؛ بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت در برآورد الگو از کارایی بیشتری برخوردار است. همچنین قبل از برآورد ضرائب الگو، آزمون‌های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون‌های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس

سطح احتمال	مقدار آماره آزمون	نام آزمون
۰/۰۰۰	$F(1,11)=91/04$	آزمون وولدریج
۰/۰۰۰	$\chi^2(11)/9=1821$	آزمون نسبت راستنمایی

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده در جدول (۵) حاکی از وجود همسانی واریانس و خودهمبستگی از مرتبه اول بین جملات اخلاص است. بنابراین، برای رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس و تخمین ضرائب بدون تورش و کارا از تخمین زننده حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد شده (EGLS) استفاده می‌شود.

در جدول (۶)، نتایج تخمین ضرایب متغیرهای مستقل الگوی پژوهش به روش اثرات ثابت و با استفاده از تخمین زننده EGLS آورده شده است.

بر اساس نتایج جدول (۶)، تاثیر شاخص‌های حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد، اثر بخشی منابع دولت، عوامل نوآوری و ابداع، عوامل کارایی و الزامات اساسی بر شاخص رقابت پذیری جهانی اقتصاد در سطح ۵ درصد از لحاظ آماری معنی دار بوده و اثر مستقیم دارند. ضمن اینکه اثر شاخص‌های اعتراض و

پاسخگویی و ثبات سیاسی بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در سطح خطای ۵ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار نیست، اما در سطح خطای ۱۰ درصد، تاثیر مثبت بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد دارند. بر این اساس، در سطح خطای ۵ درصد، فرضیه‌های اول و دوم اصلی پژوهش را می‌توان رد کرد، اما در سطح خطای ۱۰ درصد، هیچ کدام از نه فرضیه اصلی و فرعی پژوهش را نمی‌توان رد کرد. بنابراین، اگر فرضیه‌های پژوهش در سطح خطای ۱۰ درصد مورد بررسی قرار گیرد در این صورت، یک واحد افزایش در نمره هر یک از شاخص‌های اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد، اثربخشی منابع دولت، عوامل نوآوری و ابداع، عوامل کارایی و الزامات اساسی می‌تواند به ترتیب ۰/۲۱، ۰/۱۲، ۰/۲۹، ۰/۵۶، ۰/۳۶، ۰/۳۲، ۰/۶۱، ۰/۸۳ و ۰/۷۲ واحد، نمره شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در کشورهای مورد مطالعه را بهبود بخشد. ضمن اینکه از میان شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های کیفیت قوانین و مقررات و اثربخشی منابع دولت به ترتیب با رتبه اول و دوم، بیشترین میزان اثرگذاری بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد را دارا هستند، چراکه شفاف‌سازی قوانین و مقررات و ارتقای کیفیت آن در کشورها به خصوص در حوزه مربوط به فضای کسب و کار و نیز استفاده بهینه از منابع دولت برای فراهم‌سازی زیرساخت‌های کشور جهت ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌تواند در افزایش تولید و ارتقای رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها تاثیر بسزایی داشته باشد. این در حالی است که تغییرات مکرر سیاست‌های دولت و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی قوانین و مقررات، موجب غیرقابل اعتماد بودن کشورها شده و بر میزان سرمایه‌گذاری بنگاه‌های داخلی و خارجی تاثیرگذار بوده و از این طریق رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها را به شکل منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد. مقدار آماره F نشان می‌دهد، کل رگرسیون از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و همچنین میزان R^2 به دست آمده، حاکی از خوبی برازش الگوی رگرسیون پژوهش است. به همین صورت، مقدار آماره دوربین واتسون (DW) در الگوی برآورد شده، حاکی از عدم وجود خود همبستگی بین اجزای اخلاص الگوی رگرسیون پژوهش است.

جدول ۶- نتایج برآورد الگو به روش اثرات ثابت و با استفاده از تخمین زنده EGLS

نام متغیر	علامت اختصاری متغیر	ضرایب	مقدار آماره t	سطح احتمال
عرض از مبدا	C	۰/۷۳	۳/۴۴	۰/۰۰۰
اعتراض و پاسخگویی	VA _{it}	۰/۲۱	۱/۶۹	۰/۰۸۳
ثبات سیاسی	PS _{it}	۰/۱۲	۱/۶۶	۰/۰۸۹
حاکمیت قانون	ROL _{it}	۰/۲۹	۲/۴۲	۰/۰۱۸
کیفیت قوانین و مقررات	RQ _{it}	۰/۵۶	۳/۸۱	۰/۰۰۰
کنترل فساد	COC _{it}	۰/۳۶	۲/۸۹	۰/۰۰۳
اثر بخشی منابع دولت	GE _{it}	۰/۳۲	۳/۱۲	۰/۰۰۱
عوامل نوآوری و ابداع	IN _{it}	۰/۶۱	۴/۰۱	۰/۰۰۰
عوامل کارایی	EFF _{it}	۰/۸۳	۵/۱۲	۰/۰۰۰
الزامات اساسی	ER _{it}	۰/۷۲	۳/۹۱	۰/۰۰۰
		R ² =۰/۹۸۶		F=۶۷۲/۹۸۴, Prob=۰/۰۰۰
				DW=۱/۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدون تردید، رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد یکی از مفاهیم کلیدی در اقتصاد کشورها محسوب می‌شود که بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها تاثیرگذار است. به همین جهت، بررسی عوامل اثرگذار بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد یک ضرورت انکارناپذیر است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب منتج شده از بانک جهانی شامل: اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد و اثر بخشی منابع دولت بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد در کشورهای منتخب منطقه منا بود. ضمن اینکه از متغیرهایی همچون؛ عوامل نوآوری و ابداع، عوامل کارایی و الزامات اساسی به عنوان متغیرهای کنترل در کنار متغیرهای مستقل الگو استفاده شد. پژوهش حاضر نشان داد، تاثیر تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد، مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است و بهبود این شاخص‌ها می‌تواند منجر به رقابت‌پذیری جهانی بیشتر در اقتصاد کشورها شود. ضمن اینکه اثر متغیرهای کنترل یاد شده بر شاخص رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد نیز مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار بود.

نتایج این پژوهش با نظریات مطرح شده در بخش دوم پژوهش تطابقت دارد، چرا که براساس نظریه اورهارت و همکاران (۲۰۰۹)، باردهان (۱۹۹۷) و مایورو (۱۹۹۵)، عدم کنترل فساد می‌تواند تولید نهایی سرمایه را از طریق مالیات بر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری با ایجاد ناکارآمدی در بخش خصوصی و نیز با تحریف فرآیندهای مالی کاهش دهد و بدین ترتیب بر رشد بهره‌وری و رقابت اقتصادها تاثیر منفی داشته باشد. حسب نظریه بارو (۱۹۹۱)، دموکراسی به مفهوم اعتراض و پاسخگویی، می‌تواند ثبات سیاسی و اقتصادی را به همراه داشته باشد و این برای رشد سرمایه‌گذاری و رشد بهره‌وری در اقتصاد کشورها تاثیر مثبت دارد.

در نظریه داینس و همکاران (۲۰۱۰)، اثر بخشی دولت عامل مهمی برای پیاده‌سازی سیاست‌های صحیح و موثر اقتصادی، توسعه سرمایه انسانی، ایجاد اشتغال و کاهش فقر و به طور کلی ایجاد رقابت‌پذیری جهانی در جوامع است.

از دیدگاه لی و سامسل (۲۰۰۹)، کشورهای مبتنی بر قانون مداری، با توجه به مقررات شفاف و حضور قوانین منصفانه، جریان‌های تجاری را بیشتر جذب می‌کنند. به همین ترتیب، گروسمن (۱۹۹۱) استدلال می‌کند، عدم ثبات سیاسی می‌تواند بر بهره‌وری و رشد ملی کشور تاثیر منفی داشته باشد و این رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح جهانی را تضعیف می‌کند. با توجه به اثرات مستقیم شاخص‌های حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها، پژوهش حاضر، عزم و اراده جدی نهادهای حاکمیتی و ذی‌ربط را برای پیگیری و پیاده‌سازی این شاخص‌ها در اقتصاد کشورها در کنار عوامل دیگر همچون تقویت کارایی، تقویت نوآوری و پیاده‌سازی الزامات اساسی را که مجتمع جهانی اقتصاد به آن تاکید دارد، پیشنهاد می‌کند تا بتوانند از این طریق بر بهبود رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد که عامل مهمی برای رشد اقتصاد و افزایش سطح استاندارد و رفاه زندگی ساکنان کشور است، داشته باشند.

منابع

- رفیعی دارانی، هادی و شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۳). تاثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه انسانی با بکارگیری رگرسیون موزون جغرافیایی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران*، دوره ۱۹، شماره ۵۸، ۱۸۱-۱۵۳.
- علیزاده، سعیده و بیات، مریم (۱۳۹۵). اثر حکمرانی خوب بر محیط زیست در کشورهایی با درآمد متوسط. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۸، شماره ۲، ۵۱۳-۵۰۱.
- عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تاکید بر نهادهای حاکمیتی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۴۰، ۲۸-۱.
- قاسمی، احمدرضا، خاوری، مرتضی و نیک نژاد، فاطمه (۱۳۹۶). ارزیابی تاثیر اقتصاد دانش محور بر رقابت‌پذیری جهانی در آینده. *دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۴۴-۱۲۵.
- کفیلی، وحید و پیشوا، رضا (۱۳۹۶). تاثیر حکمرانی خوب بر رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی. *مجله اقتصادی*، دوره ۱۷، شماره ۷ و ۸، ۲۳-۵.
- مرادی، ابراهیم، رهنما، علی و حیدریان، سمیرا (۱۳۹۶). بررسی تاثیر شاخص حکمرانی خوب بر کنترل فساد در کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا. *فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد مقاداری*، دوره ۱۴، شماره ۴، ۱۸۲-۱۵۱.
- مرادی، مهدی و سلیمانپور، علی (۱۳۹۶). تاثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۰، ۵۹-۳۳.
- Aidt, T. S. (2003). Economic analysis of corruption: a survey. *The Economic Journal*, 113(491), F632-F652.
- Aisen, M. A., & Veiga, M. F. J. (2011). *How does political instability affect economic growth?* (No. 11-12). International Monetary Fund.
- Alderson, W. and Cox, R. (1948). Towards a Theory of Marketing, *Journal of Marketing* 13 (October), p 137-52.
- Alesina, A., & Perotti, R. (1996). Income distribution, political instability, and investment. *European Economic Review*, 40(6), 1203-1228.
- Altomonte, C., Aquilante, T., & Ottaviano, G. I. (2012). *The triggers of competitiveness: the EFIGE cross-country report. Bruegel Blueprint 17, 17 July 2012.*
- Bardhan, P. (1997). Corruption and development: a review of issues. *Journal of Economic Literature*, 35(3), 1320-1346.
- Barro, R. J. (1991). The main element behind the convergence result in neoclassical growth models is diminishing returns to reproducible capital. Poor countries, with low ratios of capital to labor, have high marginal products of capital and thereby

- tend to grow at high rates." This tendency for low-income countries to grow at high. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
- Buckley, P. J., Pass, C. L., & Prescott, K. (1988). Measures of international competitiveness: a critical survey. *Journal of Marketing Management*, 4(2), 175-200.
- Cárcaba, A., González, E., Ventura, J., & Arrondo, R. (2017). How does good governance relate to quality of life?. *Sustainability*, 9(4), 631.
- Chong, A., & Calderon, C. (2000). Causality and feedback between institutional measures and economic growth. *Economics & Politics*, 12(1), 69-81.
- Daines, R. M., Gow, I. D., & Larcker, D. F. (2010). Rating the ratings: How good are commercial governance ratings?. *Journal of Financial Economics*, 98(3), 439-461.
- Dima, A. M., Begu, L., Vasilescu, M. D., & Maassen, M. A. (2018). The Relationship between the Knowledge Economy and Global Competitiveness in the European Union. *Sustainability*, 10(6), 1706.
- Early, L., & Scott, Z. (2010). Assessing the evidence of the impact of governance on development outcomes and poverty reduction.
- Everhart, S. S., Vazquez, J. M., & McNab, R. M. (2009). Corruption, governance, investment and growth in emerging markets. *Applied Economics*, 41(13), 1579-1594.
- Grindle, M. S. (2004). Good Enough Governance: Poverty Reduction and Reform. In *Developing Countries' Governance: An International Journal of Policy, Administration and Institutions*, 17 (4), 457-605.
- Grossman, H. I. (1991). A general equilibrium model of insurrections. *The American Economic Review*, 81(4), 912-921.
- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others?. *The Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.
- Kao, C., Wu, W. Y., Hsieh, W. J., Wang, T. Y., Lin, C., & Chen, L. H. (2008). Measuring the national competitiveness of Southeast Asian countries. *European Journal of Operational Research*, 187(2), 613-628.
- Kardos, M. (2012). The reflection of good governance in sustainable development strategies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58, 1166-1173.
- Kaufmann D. and Shelifer, A. (1999). *Governance Matters*. World Bank, Policy Research Working Paper, 2196, Retrieved from <http://siteresources.worldbank.org/INTWBIGOVANTCOR/Resources/govmatrs.pdf>
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). *Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008*. The World Bank.
- Klaus, S. (2011). The Global Competitiveness Report 2011-2012. World Economic Forum.
- Krugman, P. (1994). Competitiveness: a dangerous obsession. *Foreign Aff.* 73(2), 28-44.
- Li, S., & Samsell, D. P. (2009). Why some countries trade more than others: The effect of the governance environment on trade flows. *Corporate Governance: An International Review*, 17(1), 47-61.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681-712.
- Mauro, P. (1998). Corruption and the composition of government expenditure. *Journal of Public Economics*, 69(2), 263-279.
- McGahan, A. M. (1999). Competition, strategy, and business performance. *California Management Review*, 41(3), 74-101.
- Ndulu, B. J., & O'Connell, S. A. (1999). Governance and growth in sub-Saharan Africa. *Journal of economic Perspectives*, 13(3), 41-66.
- Ngobo, P. V., & Fouda, M. (2012). Is 'Good' governance good for business? A cross-

- national analysis of firms in African countries. *Journal of World Business*, 47(3), 435-449.
- Petrariu, I. R., Bumbac, R., & Ciobanu, R. (2013). Innovation: a path to competitiveness and economic growth. The case of CEE countries. *Theoretical & Applied Economics*, 20(5).
- Porter M.E. 1990. *The Competitive Advantage of Nations*. New York :The Free Press,.
- Rivera-Batiz, F. L. (2002). Democracy, governance, and economic growth: theory and evidence. *Review of Development Economics*, 6(2), 225-247.
- Rodrik, D. (2004). Institutions and economic performance-getting institutions right. *CESifo DICE Report*, 2(2), 10-15.
- Sala-i-Martin, X. A. V. I. E. R., Bilbao-Osorio, B., Blanke, J., Crotti, R., Hanouz, M. D., Geiger, T., & Ko, C. (2012). The global competitiveness index 2012–2013: Strengthening recovery by raising productivity. *The Global Competitiveness Report 2012–2013*, 49-68.
- Sala-i-Martin, X., Bilbao-Osorio, B., Blanke, J., Hanouz, M. D., Geiger, T., & Ko, C. (2013). The Global Competitiveness Index 2013–2014: sustaining growth, building resilience. *The Global Competitiveness Report*, 2014, 3-52.
- Sala-i-Martin, X., Crotti, R., Di Battista, A., Hanouz, M. D., Galvan, C. A., Geiger, T. H., & Marti, G. A. (2015). Reaching Beyond the New Normal: Findings from the Global Competitiveness Index 2015–2016. *The Global Competitiveness Report*, 2016(2015), 3-41.
- Santheran, M. (2016). The Impact of import Tax liberalization towards the economic competitiveness of Malaysia in long run: A Johansen co-integration APPROACH, *International Journal of Business, Economics and Law*, Vol. 11, Issue 3 (Dec.) ISSN 2289-1552.
- Schumpeter, J. (1942). *Capitalism, socialism and democracy* Harper & Row. New York.
- Schwab, K. (2010, September). The global competitiveness report 2010-2011. Geneva: World Economic Forum.
- Schwab, K. (2017). World Economic Forum: The Global Competitiveness Report up 2008-2009 to 2016–2017. URL: http://www3.weforum.org/docs/GCR2016-2017/05FullReport/TheGlobalCompetitivenessReport2016-2017_FINAL.pdf.
- Schwab, K. (2017). The Global Competitiveness Report 2017-2018. World Economic Forum.
- Schwab K. and Sala-i-Martin X. (2013). *The Global Competitiveness Report 2013–2014*, World Economic Forum, Geneva.
- Siudek, T., & Zawojcka, A. (2014). Competitiveness in the economic concepts, theories and empirical research. *Acta Scientiarum Polonorum. Oeconomia*, 13(1), 91-108.
- Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. London: Methuen & Co., Ltd., 1904.
- United Nations Millennium Project. 2005. *Investing in Development: A Practical Plan to Achieve the Millennium Development Goals*. London: Earthscan. <<http://www.unmillenniumproject.org>>.
- Wooldridge, J. M. (2010). *Econometric analysis of cross section and panel data*. MIT press.
- World Bank. (1997). *World Development Report 1997: The state in a changing world*. Oxford University Press.
- WWW.govindicators.org



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی